

# پوشش دختران در ارتباطات انسانی خرده‌فرهنگ‌های دانشجویی

## مطالعه کیفی نمونه‌های کرانه‌ای مغایر با الگوی رسمی حجاب<sup>۱</sup>

سبحان یحیایی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۵، تاریخ تأیید: ۹۸/۵/۶

### چکیده

این مقاله، به مطالعه چگونگی مواجهه نمونه‌ای از خرده‌فرهنگ‌های دانشجویی با سیاست‌های عمومی پوشش و حجاب در فضای دانشگاهی می‌پردازد و به معانی پوشش در میان گروه‌هایی از دانشجویان دختر - که رفتاری مغایر با الگوی رسمی حجاب دارند - توجه می‌کند. نمونه‌های این مقاله به شیوه انتخاب نمونه‌های کرانه‌ای (افراطی) برگزیده شده‌اند و بدیهی است که ادعای تعمیم فراتر از نمونه‌های مطالعه را ندارد. هدف مطالعه هم این بوده است که با به‌دست‌دادن شناخت‌های سلبی از این دست، به بازاندیشی در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی، یاری برساند. روش‌شناسی این مقاله به روش کیفی تفسیری و با تکنیک تحلیل کیفی تعاملی (IQA)، عناصر محرک و عناصر پیامدی نظام معنایی پوشش در میان نمونه‌ها را ترسیم می‌کند. ابزارهای تأمین داده‌های این روش هم مصاحبه گروه کانونی و مصاحبه عمقی انفرادی با تعداد نمونه ۱۶ نفر بوده است. مؤلفه‌هایی که به‌عنوان پیوندهای درونی نظام معنایی پوشش در میان دانشجویان نمونه شناسایی شدند، عبارتند از: راحتی، نظر دیگری، زیبایی، تمایز، اعتمادبه‌نفس، نشانگر تفکر بودن، اعتراض، آزادی، دیده‌شدن و مد. یافته‌ها نشان داد که «اعتمادبه‌نفس»، «زیبایی» و «دیده‌شدن» برای دختران دانشجوی نمونه، عواملی هستند که می‌توانند احساس رضایت و یا عدم رضایت از پوشش را در ایشان تولید کنند. همچنین عوامل «مد»، «نظر دیگری»، «تمایز»، «اعتراض» و «آزادی» انگیزه اصلی این دانشجویان دختر در انتخاب نوع پوشش و لباسشان را شکل می‌دهد. همچنین دانشجویان به سه گروه دانشجویان معترض و دانشجویان همگرای فعال و دانشجویان همگرای منفعل تقسیم شدند و متناظر با هر یک از گروه‌ها، روابط مؤلفه‌های سیستمی شناسایی شد. **واژگان کلیدی:** پوشش، ارتباطات انسانی، تحلیل کیفی تعاملی، حجاب، نمونه‌گیری افراطی.

۱ این مقاله مستخرج از یک طرح پژوهشی اجرا شده برای پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است.

۲ استادیار دانشکده علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی yahaiei.sobhan@gmail.com

## مقدمه و بیان مسئله

پوشش زنانه و حجاب، همواره به‌عنوان یکی از پرابلماتیک‌های سیاستگذاری اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ مطرح بوده است. این موضوع در چهار دهه گذشته هم در صورت سیاستگذارانه و قانونی و هم در صورت کنش‌گری شهروندان و مواجهه عمومی با الگوی رسمی آن، تغییرات و تطوّراتی را به خود دیده است و امروزه شماری از گونه‌های مقاومت و تخطی از الگوهای رسمی در جامعه قابل مشاهده است.

از سوی دیگر، فهم دانشگاه، به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین میدان‌های سیاستگذاری فرهنگی و اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران، همواره اثرپذیری عریان‌تری از سیاستگذاری فرهنگی دولت داشته است. این موضوع را می‌توان در بازبینی‌های متعدد آیین‌نامه‌های انضباطی دانشجویان و دستورالعمل‌های فرهنگی در ارتباطات با تعریف مناسبات دانشجویی در مجموعه دانشگاه‌های کشور دید.

بنابراین، مسئله این مقاله، به‌دست‌دادن شناختی از چگونگی مواجهه با سیاست‌های فرهنگی پوشش و معناداری آن در میان بخشی از دانشجویان کرانه‌ای است. به دیگر سخن، این مقاله، فهم موضوع کنش پوششی دختران دانشجو در محیط دانشگاه را مدّ نظر قرار داده است و می‌خواهد تأثیر و تأثرات فضای دانشگاه و سیاست‌های کلان اجتماعی را در تعامل با انگیزه‌ها و معانی فردی پوشش دختران دانشجو مورد مطالعه قرار دهد.

هنگامی که از فضا سخن می‌گوییم، تعاملات پیچیده میان آن کالبد و ارتباطات اجتماعی و قواعد و ارزش‌های و نگرش‌های منتشر در مکان یادشده را نیز مدّ نظر قرار می‌دهیم» (غلامرضا کاشی، ۱۳۸۹).

به‌نظر می‌رسد مطالعه فرهنگ پوشش دانشجویان به‌عنوان یک خرده‌فرهنگ در اینجا بتواند به شناخت عناصر زمینه‌ای این پوشش کمک کند. منظور از خرده‌فرهنگ، فرهنگی است که از نظام فرهنگی مسلط جامعه متمایز است؛ «جلوه چنین تمایزی را می‌توان در زبان، لباس، حرکات بدنی، آداب، شیوه رفتار و پشت‌کردن به برخی ارزش‌های پذیرفته شده جامعه دید» (شفهرز، ۱۳۸۳: ۱۹۱).

باید در نظر داشت که در جامعه ما، به سبب وجود قانون<sup>۱</sup> حجاب به‌مثابه الزامی در پوشش زنانه، دو مفهوم پوشش و حجاب تا حدی در هم گره خورده و با هم ادغام شده‌اند (فرجی و حمیدی، ۱۳۸۷). بنابراین، علی‌رغم اینکه نمونه‌های مورد مطالعه در این مقاله، کنش‌گری پوششی مغایر حجاب رسمی دارند، اما نسبت معنای کنش آنها با حجاب نیز محل تأمل این مقاله خواهد بود.

### پرسش‌های پژوهش

دختران دانشجویی که پوششی مغایر با الگوهای رسمی دارند، چه معانی را از کنش‌گری پوششی خود مراد می‌کنند و مفهوم حجاب نزد این دانشجویان، چه معنایی دارد؟  
گونه‌بندی کنش‌گری پوششی این دانشجویان دختر چگونه است؟

### پیشینه پژوهشی

پژوهش‌های پرشماری درباره پوشش و حجاب در وزارتخانه‌های دولتی اعم از «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی»، «وزارت آموزش و پرورش»، «وزارت کشور» و سایر نهادهای پژوهشی وابسته به دستگاه‌های حاکمیتی مانند صداوسیما، سازمان تبلیغات اسلامی و نهادهایی از این دست صورت گرفته است، اما نگاه بیشتر این پژوهش‌ها کمی بوده است و به یک پیمایش یا نگرش‌سنجی کمی بسنده شده است و در معدود تحقیقات کیفی موجود، خلأ پژوهشی این چنین در میان دانشجویان احساس می‌شود.

پژوهش‌های شهری و ملی که بیانگر تغییرات اجتماعی در مقوله پوشش هستند، دغدغه کنترل پوشش زنانه را در سطح مسئولان کشور گسترش داده‌اند. به‌عنوان نمونه پژوهشی که

---

۱ ماده ۱۰۲ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲، در این زمینه بیان می‌کند که: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به تعزیر تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهند شد». همچنین ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ نیز تصریح می‌کند که «هرکس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر، تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل، به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نیست، ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید، فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد». در یکی از تبصره‌های این ماده قانونی نیز بیان می‌شود که «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد».

نشان می‌دهد حدود ۵۴ درصد از زنان تهرانی دارای پوشش کم یا غیر قانونی و غیر اسلامی در معابر عمومی هستند (رضایی، ۱۳۸۴: ۴۷). این پژوهش و پژوهش‌هایی از این دست، علاوه بر اینکه دغدغه سیاستگذاری‌های دولتی برای عملیات‌های حاکمیتی در این زمینه را تشدید می‌کند، ضرورت پژوهش‌های تبیینی و تفسیری جدی از سوی نهاد دانشگاه - برای پرهیز دادن به سیاستگذاران در تداوم کژکارکردی‌های سیاستگذاری اجتماعی - را خاطر نشان می‌سازد.

طرح پژوهشی دیگری در سازمان تبلیغات اسلامی با عنوان «نگرش زنان به انواع پوشش‌های رایج» توسط مهدی فرجی و نفیسه حمیدی به انجام رسیده است که نویسندگان در نتایج آن عنوان می‌کنند که ۱۵/۵ درصد از زنان تهرانی، تمایزبخشی را به‌عنوان مهم‌ترین ملاک در انتخاب لباسشان معرفی می‌کنند. مجریان این طرح، با استفاده از مصاحبه‌های عمقی انجام شده، نه‌گونه از زنان تهرانی را بر مبنای پوشش دسته‌بندی می‌کنند که عبارتند از؛ حجاب تکلیفی، حجاب ایدئولوژیک، حجاب سنتی، حجاب زیبایی‌شناختی، حجاب زیبایی‌شناسانه، حجاب بازاندیشانه، پوشش به‌مثابه سبک زندگی، پوشش مد محور، فشن لس و پوشش فمینیستی.

پایان‌نامه‌ای توسط مرتضی حسینی‌دوست با عنوان «بررسی نگرش دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی نسبت به پوشش زنان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن» به نگرش‌سنجی دانشجویان با روش پیمایش می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که پایگاه اجتماعی بالای والدین همبستگی معناداری با کاسته‌شدن تمایل دانشجویان به پوشش اسلامی دارد. همچنین او در نتایج تحقیقش بیان می‌کند که نسبت مستقیمی بین نگرش دانشجویان به پوشش و چگونگی رعایت پوشش توسط گروه دوستان و همالان آنها وجود دارد.

تحقیق دیگری نیز که به‌صورت کتاب منتشر شده است بیان می‌کند که عناصر اولویت‌دار و تعیین‌کننده در نوع حجاب و پوشش دانشجویان دختر به ترتیب عبارتند از خانواده، مد، اعتقادات مذهبی، آیین‌نامه، دوستان، الگوهای رسانه‌ای و اساتید (علی‌محمدزاده و سلیمانی، ۱۳۸۴: ۸۹).

مقالات دیگری نیز در این زمینه به چاپ رسیده است که عموماً دارای نگرش‌های کمی بوده که در اینجا برای نمونه، دو مقاله نوعی از این جمله را ذکر می‌کنیم که ضمن رعایت اختصار، شمایی کلی از فضای پژوهش در این عرصه ارائه شود. سعید زاهد زاهدانی و عبدالله

دشتی در مقاله‌ای به «گرایش دانشجویان به انواع حجاب» تبیین می‌کنند که تغییر محیط اجتماعی برای دانشجویان دختر، در انتخاب نوع پوشش برای آنان مؤثر می‌باشد و بنابراین این محیط اجتماعی و فضای فرهنگی است که تا حدود زیادی نوع پوشش این افراد را مشخص می‌کند. «نقش دولت در نهادینه سازی حجاب» مقاله دیگری است که با تألیف آراین قلی‌پور در فصلنامه مطالعات راهبردی زنان به چاپ رسیده است. در مقاله مورد اشاره، این مسئله تبیین می‌شود که با مکانیزم‌های اجباری، نمی‌توان رفتارها و احساسات ملت را به صورت پایدار و با ثبات شکل داد و برای نهادینه‌سازی رفتارها و احساسات باید مکانیزم‌های ذهنی و شناختی به کار گرفته شود.

### چارچوب نظری

با توجه به اکتشافی و کیفی بودن مطالعه حاضر، هیچ مبنای نظری روی میز تحقیق قرار نمی‌گیرد، اما این پژوهش با پیروی از چارچوب نظری جامعه‌شناسی تفهیمی وبر، رویکردی به دریافت معنای کنش انسانی دارد که فرد و رفتارش را چونان واحد پایه در نظر می‌گیرد (Weber, 1946: 345). به زعم وبر، هر آنچه که در زمره رفتارهای عینی یا ذهنی است، قابلیت تفسیر معناداری را دارد و به همین دلیل، این فرد است که یگانه حامل کنش معنا دار است (همان).

وقتی پذیرفتیم موضوعات انسانی و اجتماعی بر خلاف موضوعات طبیعی، دارای دنیایی درونی و چیزی به نام معنا هستند که شناخت آن برای درک و تبیین آنان ضروری است، این پرسش به وجود می‌آید که چگونه می‌توان به شیوه‌های عینی، به درک معناهای درونی افراد و یا نهادهای اجتماعی نائل آمد؟ پاسخ وبر به این سؤال، تفهم است. تفهم تلاشی است به منظور درک کنش اجتماعی از طریق نوعی رابطه همدلانه با کنش‌گر که از سوی مشاهده‌کننده صورت می‌گیرد. در این شیوه محقق می‌کوشد تا کنش‌گر و انگیزه‌هایش را مشخص سازد و جهت رفتار را از دید کنش‌گران ببیند تا از نگاه خودش (پارکین<sup>۱</sup>، ۱۳۸۴: ۲۶). در واقع، بر خلاف پارتو که منطق کنش‌ها را با استناد به شناخت‌های ناظر کنش می‌سنجید، تفهم مستلزم درک معنایی است که کنش‌گر برای رفتار خویش قائل است (آرون، ۱۳۷۷: ۵۶۷). وبر دو گونه تفهم را از

1 Parkin

یکدیگر تمیز می‌دهد: ۱- تفهّم مشاهده‌ای مستقیم، نظیر درک عصبانیت یک فرد از روی شکل و حالت صورت وی، ۲- تفهّم تبیینی، که در آن کوشش می‌شود به درک انگیزه‌ها و معانی کنش‌های گوناگون نائل آییم (پارکین، ۱۳۸۴: ۲۵). این پژوهش به دنبال به دست دادن تفهّمی تبیینی است و در پی آن است که به درک انگیزه‌ها و معانی کنش‌های پوششی دختران دانشجوی مورد مطالعه بپردازد.

### روش‌شناسی؛ تحلیل کیفی تعاملی (IQA)

این مقاله با اتخاذ روش‌شناسی کیفی در پارادایم تفسیری معرفت‌شناسی علم، تکنیک تحلیل کیفی تعاملی<sup>۱</sup> را برای شناسایی چستی و چرایی کنش‌گری پوششی نمونه‌های مورد مطالعه به کار می‌گیرد.

روش کیفی تعاملی از طریق مصاحبه مستقیم و اندیشیدن به صورت انباشتی، تمرکز غالب خود را بر تجربیات شرکت‌کنندگان حاضر قرار می‌دهد. نرث‌کات و مک‌کوی (۲۰۰۴: ۱۸) اشاره به این امر دارند که هدف تحلیل کیفی تعاملی، ایجاد پیوند میان مشابهت‌ها و ارتباط میان پدیده و معناست. پژوهش کیفی تعاملی (IQA) ارائه ساختار تعلیلی، از طریق نظرات اعضای گروه کانونی برای مصاحبه و طبقه‌بندی و به‌کارگیری مجموعه داده‌هاست. در طی زمان مصاحبه و تعامل با گروه کانونی، محققان مفاهیم را شرح داده و به گروه کانونی اجازه می‌دهند تا ایده‌ها و مفاهیم خود را در رابطه با موضوع پژوهش شرح دهند. سپس از طریق تبادل نظر مداوم و روشن‌شدن ایده، پارامترها و فاکتورها برای پژوهش بیشتر شکل می‌گیرد. در واقع، می‌توان گفت که در این روش محتوای نظریه شخصی افراد در طول مصاحبه‌ها بازسازی می‌شود (یحیائی، ۱۳۹۴).

### ابزارهای گردآوری داده‌ها

جمع‌آوری داده‌ها در ساختار تحلیل کیفی تعاملی به دو شیوه مصاحبه‌های عمقی انفرادی و مصاحبه گروه کانونی صورت می‌گیرد. پایه و اساس شناخت پیوندهای درونی مصاحبه گروه کانونی است ورودی مصاحبه‌های انفرادی مبنای مصاحبه گروه کانونی قرار می‌گیرد و در پایان

1 Interactive Qualitative Analysis(IQA)

نیز مقایسه تطبیقی بین کدگذاری‌های نظری برآمده از مصاحبه‌های گروه کانونی و مصاحبه‌های عمقی انفرادی صورت می‌گیرد.

### ۱. فاز مصاحبه عمقی فردی<sup>۱</sup>

در این مرحله، پیوندهای درونی شناسایی می‌شوند که برای کشف آتی معانی پیوندهای درونی در ارتباط‌های سیستمی‌شان بسیار مهم و گران‌سنگ قلمداد می‌شوند (Northcutt & McCoy, 2004: 44).

مصاحبه‌ها در این پژوهش به صورت نیمه‌ساخت‌یافته انجام می‌شود و در واقع، این مصاحبه‌ها به دنبال آن هستند که مفاهیم پیوندهای درونی را شرح و گسترش دهند و به نوعی نظرات دارای انحراف از معیار را نیز شناسایی کنند.

### ۲. فاز مصاحبه گروه کانونی<sup>۲</sup>

پس از شناسایی اهداف و پرسش‌های پژوهش و پس از ترسیم مسیر توسط محقق، نخستین مرحله جمع‌آوری داده‌ها در روش «تحلیل کیفی تعاملی» مصاحبه گروه کانونی است که از خلال این مصاحبه‌ها شناسایی پیوندهای درونی<sup>۳</sup> در سیستم تحت مطالعه که نرثکات و مک‌کوی (۲۰۰۴: ۴۴) از آن تکه‌پاره‌های<sup>۴</sup> سیستمی نام می‌برند، بر مبنای اظهار تجربیات شرکت‌کنندگان از پدیدار مورد مطالعه صورت می‌گیرد. همچنین روابط بین این مؤلفه‌ها توسط همین گروه‌های کانونی شناسایی می‌شوند (Northcutt & McCoy, 2004: 44) و مجموعه قوانین و همبستگی‌های موجود را با الهام از نظریه سیستمی تحلیل کیفی تعاملی، مورد استفاده قرار می‌دهد برای اینکه یک نقشه ذهنی ترسیم کند از اینکه گروه چگونه واقعیت مورد نظر را تجربه می‌کنند. بر مبنای داده‌های این اکتشافات تحلیل شماتیک، به شرحی که در ادامه می‌آید، صورت خواهد پذیرفت.

### استراتژی‌های تجزیه و تحلیل

در روش تحلیل کیفی تعاملی، از سه استراتژی تجزیه و تحلیل استفاده می‌شود که در ادامه، به اختصار به آنها اشاره خواهیم کرد؛

1 individual in depth interview  
2 focused group interview  
3 Affinities  
4 Quilt pieces

### الف) پیوندهای درونی<sup>۱</sup>:

در روند تحلیل کیفی تعاملی، اجزاء معنایی یک پدیدار، پیوندهای درونی نامیده می‌شوند، که همانند مؤلفه‌هایی هستند که سیستم را ایجاد می‌کنند. می‌توان گفت که پیوندهای درونی در واقع دسته‌بندی معنایی هر سیستم و یا مجموعه سیستم‌ها را نشان می‌دهد که خود تجربیات گروه‌ها از یک پدیدار است (Northcutt & McCoy, 2004: 44). بر مبنای داده‌های به‌دست‌آمده در شناسایی پیوندهای درونی، ترسیم جدول ارتباط بین پیوندهای درونی<sup>۲</sup> (ART) صورت می‌گیرد.

### ب) نمودار روابط درونی<sup>۳</sup> (IRD)

پس از مشخص نمودن پیوندهای درونی، گام بعدی کدگذاری نظری روابط بین پیوندهای درونی است که پس از طرح در مصاحبه‌های گروه کانونی می‌توان به ترسیم نمودار روابط درونی، که توصیف دیداری روابط پیوندهای درونی است، اقدام نمود. در نمودار IRD مثالی که در ادامه آمده است، ربط دو مؤلفه پیوند درونی با فلش نمایندگی می‌شود و چنان‌که نرث‌کات و مک‌کوی می‌گویند (۲۰۰۴: ۱۷۰): فلش در IRD برای نشان دادن رابطه بین دو مؤلفه است که بر خلاف سیستم دفترداری - و مانند برنامه‌های حسابداری دوپل - دوبار تکرار می‌شود و این‌که N1 N2 در نمودار نمایش داده شود، نشان می‌دهد که مؤلفه N2 بر مؤلفه N1 تأثیرگذار است و به‌نوعی می‌تواند ریشه دلالتی N1، مؤلفه N2 باشد.

در نمودار IRD فلش‌های سمت چپ، ورودی‌های سیستم و فلش‌های رو به بالا، خروجی‌های سیستم خوانش می‌شوند. تفریق مجوع تعداد خروجی‌های سیستم از ورودی‌های سیستم، دلتای سیستم را نشان می‌دهد که در صورتی که این عدد، عددی مثبت باشد و خروجی‌ها بیش از ورودی‌ها باشد، آن عدد محرک سیستمی خوانش می‌شود و در صورتی که تعداد ورودی‌ها بیش از تعداد خروجی‌ها باشد و دلتای سیستم منفی شود، به این عدد پیامد سیستمی گفته می‌شود (نرث‌کات و مک‌کوی، ۲۰۰۴: ۱۷۳). اگر پیوندهای درونی سیستم را از N1 تا N7 فرض کنیم و ارتباط هفت عامل سیستمی را به‌طور فرض با توجه به تعامل متنی

1 Affinities

2 Affinity Relationship Table

3 Inter Relationship Diagram



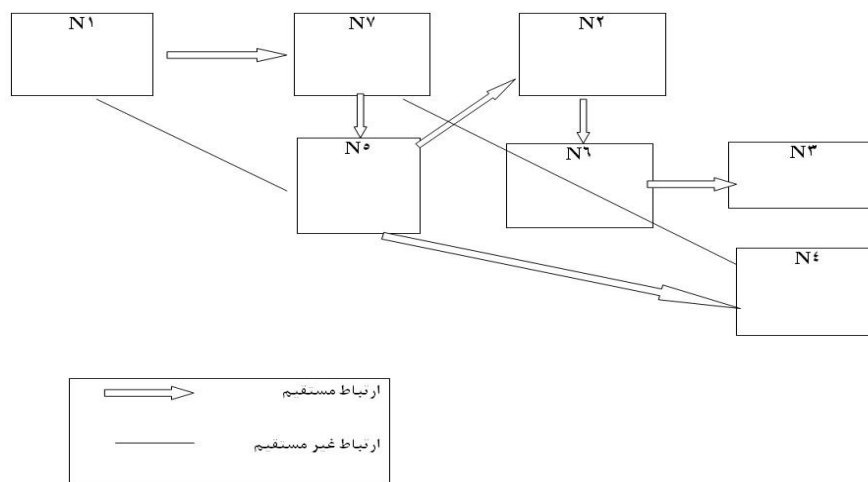
مصاحبه‌ها به شکل زیر در نمودار IRD در نظر بگیریم، می‌توانیم نمودار SID منتج از آن را در ادامه مشاهده کنیم؛

نشانه	OUT	IN	Δ	N۱	N۲	N۳	N۴	N۵	N۶	N۷
محرك	۶	۰	۶	○	↑	↑	↑	↑	↑	↑
پیامد	۲	۳	-۱	←	○	↑		←	↑	←
پیامد	۰	۵	-۵	←	←	○		←	←	←
پیامد	۰	۳	-۳	←			○	←		←
محرك	۳	۲	۱	←	↑	↑	↑	○		←
پیامد	۱	۳	-۲	←	←	↑			○	←
محرك	۵	۱	۴	←	↑	↑	↑	↑	↑	○

شکل شماره ۱ - نمونه نمودار IRD

(پ) بازنمایی سیستم: ترسیم نمودار تأثیرگذاری‌های سیستمی (SID)

در آخرین فاز تجزیه و تحلیل داده‌های مصاحبه گروه کانونی و مصاحبه‌های عمقی، چکیده نتایج به دست آمده از اثرگذاری‌های سیستمی در نمودار SID ترسیم می‌شود. برای ترسیم این نمودار نخست محرک‌های سیستم را در یک سمت و پیامدهای سیستم را در سمت دیگری در قالب جعبه‌های پیوندهای درونی قرار می‌دهیم. مرحله بعدی پس از چینش مناسب این جعبه مؤلفه‌های پیوند درونی، نشان دادن ارتباط بین آنها به وسیله خطوط نمایانگر ارتباط است که این خطوط می‌توانند به دو دسته نمایای ارتباط مستقیم و نمایای ارتباط غیر مستقیم تقسیم شوند. نرث‌کات و مک‌کوی (۲۰۰۴: ۱۷۶) در ادامه نمودار مثالی SID بر مبنای داده‌های نمودار پیشین IRD که از هفت مؤلفه پیوند درونی N1...N7 تشکیل شده بود، ترسیم شده است و می‌توان چگونگی ترسیم نقشه ذهنی را در این نمونه مشاهده کرد؛



چنان‌که نرثکات و مک‌کوی (۲۰۰۴: ۴۵) می‌گویند گزارش نهایی به محقق این امکان را می‌دهد که پیوندهای درونی و روابط بین آنها را - مبتنی بر گفتارهای شرکت‌کنندگان - در جهت نگاه تطبیقی بین سیستم و افراد توصیف کند و استنتاجش را بر مبنای ویژگی‌های سیستم یا سیستم‌ها ارائه دهد.

### نمونه‌های مورد مطالعه و شیوه اجرا

انتخاب نمونه‌ها در این مقاله، به شیوه نمونه‌گیری کرانه‌ای (افراطی)<sup>۱</sup> بوده است؛ بدین معنا که برای شناخت نمونه‌هایی که الگوهای مغایر با پوشش رسمی را انتخاب می‌کنند؛ سراغ دانشجویان دختری رفته‌ایم که برای تن‌دادن به الگوی رسمی حجاب و غیریت‌سازی از پوشش خود در برابر آن، از نهادهای نظارتی و انتظاماتی دانشگاه، تذکر اصلاح پوشش دریافت کرده‌اند. این تذکر، از گفتار شفاهی نیروی انسانی شاغل در انتظامات تا حضور در کمیته انضباطی دانشجویی را شامل می‌شده است و صرفاً خوداظهاری دانشجویان معیار شناسایی نمونه‌ها بوده و اعتبارسنجی دیگری نداشته است.

1 Extreme Sampling

انتخاب نمونه‌های افراطی از این روست که زمانی که نمونه‌ها و پدیده مورد مطالعه به صورت غیرمعمول یا خاص در نقاط کرانه‌ای و حداکثری موضوع مطالعه قرار می‌گیرند؛ امکان فهم بهتری از موارد معمولی موضوع مطالعه را با جزئیات بیشتری فراهم می‌کنند.

در این پژوهش ما با دو گروه کانونی هشت نفره از دختران دانشجویان با نمونه‌گیری افراطی هدفمند جمع‌آوری داده‌ها را شروع کردیم. هر جلسه گروه کانونی علاوه بر محقق، توسط یک نفر دستیار اجرایی به عنوان مدیر بحث پیش رفت. انتخاب تعداد اعضای هشت نفر به دلیل این بود که «هزینه سودمندی استفاده از گروه‌های کانونی، در مقایسه با مصاحبه‌های انفرادی می‌تواند در اثر استفاده از گروه‌های بسیار کوچک، یا گروه‌های بزرگ‌تر به شکل واضحی از بین برود» (Kitzinger, 1994).

لازم به ذکر است که نمونه‌های مورد مطالعه از دانشجویان دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبائی و آزاد اسلامی (واحد تهران - شمال) بوده‌اند. یازده نفر از این تعداد، دانشجوی رشته‌های علوم انسانی، سه نفر دانشجوی هنر و دو نفر دانشجوی فنی و مهندسی بوده‌اند.

از دیگر سو، انتخاب محیط اجرای مطالعه، یکی از مسائلی است که در روند تحقیق می‌تواند تأثیرات مشهودی را برجای بگذارد. به همین منظور و برای کمترین مداخله محیطی، فضای دانشگاه برای اجرای مصاحبه‌های به‌کارگیری شد. انتخاب محیط دانشگاه، علاوه بر احساس راحتی در دانشجویان مورد مطالعه، به محققان این امکان را می‌داد که پدیده مورد مطالعه را در ظرف محیطی‌اش مطالعه نمایند. هر سه مصاحبه عمقی در فضای عمومی دانشگاه تهران صورت گرفت و از دانشجویان دانشگاه‌های دیگر (علامه طباطبائی، آزاد اسلامی) برای حضور در مکان مصاحبه دعوت شد، اما در مصاحبه‌های انفرادی، دانشجویان در دانشکده محل تحصیل خود مورد مصاحبه قرار گرفتند.

## اجرای مصاحبه‌ها

### ۱. اجرای مصاحبه‌های گروه کانونی

در مرحله نخست داده‌های دو مصاحبه گروه کانونی با دانشجویان دختر مورد مطالعه را دسته‌بندی و ارائه می‌کنیم.

پس از انتخاب اعضای دو گروه کانونی و درخواست حضور از ایشان در محل مصاحبه، برای اعضا توضیح داده شد که این پژوهش برای شناسایی نگرش و معنای کنش پوششی ایشان صورت می‌گیرد و بناست که محققان روشی کیفی را در این عرصه آزمون کنند و در هیچ‌کجای تحقیق نامی از آنان برده نخواهد شد. در اجرای مصاحبه‌ها، پس از صحبت‌های ابتدایی اعضای گروه اولین موضوعی که در این مصاحبه کانونی به بحث گذاشته شد، عبارت بود از:

### معنی‌شناسی دلایل انتخاب لباس در دانشگاه

در ذیل این عنوان پوشش، به تبع الزامات تکنیکی «تحلیل کیفی تعاملی» به‌عنوان یک سیستم در نظر گرفته شده است که پرسش‌های پیرامون این عنوان، به‌دنبال شناسایی پیوندهای درونی این سیستم ذهنی مطرح شده است. پرسش‌های مرتبط با این موضوع، در هر دو گروه مصاحبه کانونی دختران دانشجو پاسخ‌های همسان و گاه ناهمسان و حتی متباینی را در پی داشت. برخی از شواهد پاسخ‌های ارائه شده در گونه‌های مختلف، ارائه می‌شود<sup>۱</sup>:

«چه دانشگاه و چه هر محیط دیگری که باشه، من به‌عنوان اصل اول راحتی رو در نظر می‌گیرم. لباس آدم، شخصی‌ترین حوزه انتخاب آدمه و کسی نمی‌تونه تو این حوزه بهش امر و نهی کنه. البته این نمی‌تونه‌ای که می‌گم، متأسفانه در نظره و در عمل می‌بینیم که می‌تونه» (مریم، دانشجوی سال دوم).

«انتخاب لباس‌های دانشگاه معمولاً با مامانم هستش. سلیقه‌ش تکه. مادرم از جوانی تا همین حالا شیک پوشه. گاهی وقت‌ها که خودم لباسی رو می‌خرم، اگر مامانم نپسندد، من اعتمادبه‌نفسم برای پوشیدن اون لباس کم می‌شه و معمولاً بعد از یکی دو بار، دیگه اون لباس رو نمی‌پوشم». (مهسا، دانشجوی سال اول).

«اولین معیار اینه که لباس اونقدر قشنگ به زیبایی من اضافه کنه. البته لباس ممکنه زیبا باشه، ولی به آدم نیاد. گاهی شده که برای انتخاب لباس دلخواهم ساعت‌ها و روزها وقت گذاشتم. البته می‌دونید که زیبایی فرهنگی. این هیزی مردای اینجا هم واسه اینه که همه چی رو اروتیک می‌بینن. اصلاً زیبایی رو آنقدر ندیدن که جز با جنسیت نمی‌فهمنش». (محبوبه، دانشجوی سال سوم).

۱ اسامی ذکر شده در مقاله، اصیل نیستند و عمدتاً برای حفظ امانت و حقوق تعهد شده نمونه‌های مورد مطالعه، شبیه‌سازی شده‌اند.

«من انگیزه اصلی این است که به چیزی بپوشم که تکراری نباشد و از لباس بقیه سر باشد. این همه فرم‌های تکراری با رنگ‌های روتین سیاه و خاکستری و سورمه‌ای روان جامعه رو پریشانی و عصبانی کرده. شادی رو اصلاً تو هیچ جمع‌های نمی‌شه دید. دانشگاهم ماتم‌زده است. دختر و پسر هم نداره. من که لباس شاد و متفاوت می‌پوشم، دارم به لطفی به جامعه و به دانشگاهم می‌کنم. اونا باید تحسین کنن زیبایی رو، ولی بر عکسه. برام دردسر و اعصاب خوردی داره. این قدر شعور تو جامعه ما پایینه که اگه لباس متفاوت و بازه و آزاده، میگن فاحشه‌ای» (پریسا، دانشجوی سال سوم).

«من به خصوص تو دانشگاه، ماتتو شلواری می‌پوشم که اعتمادبه‌نفسمو اضافه کنه. وقتی لباس شیک باشه، می‌تونم دست بالا با بقیه حرف بزنی. می‌تونم موضع قدرت داشته باشی. اساساً جرأت پوشیدن خیلی از لباس‌ها در دانشگاه، اعتمادبه‌نفس آدم را در این محیط بیشتر می‌کنه» (محدثه، دانشجوی سال چهارم).

«لباس آدم باید حرفی برای گفتن داشته باشه. باید نشونه تفکر باشه. پارسال با دو تا از دوستانم، موهامونو تراشیدیم و تیپ‌های پسرانه می‌زدیم. خب خیلی خفن بود. همه به طور دیگه‌ای رومون حساب می‌کردن. پسرا هم به فاز احترامی داشتن بهمون. یعنی دیگه جذابیت زنانه و این جفنگیات رو بهش داشتیم کج‌دهنی می‌کردم. یعنی آدم بودن من مهم‌تر از جنسیتمه. این حرفه که با لباس همیشه زد» (زهره، دانشجوی سال پنجم).

«من هر چی رو که بگن باید بپوشی، من دقیقاً همون را نمی‌پوشم. نگهبانای دانشکده مون زله‌شدن که من با مقنعه بیام تو، اما خیلی وقته نیومدم. البته موقع‌هایی که گیر دادنا زیاد شده بود، دم درو با مقنعه می‌اومدم و نرسیده به دانشکده، شال رو سرم بود. همه چی تو دانشگاه و تو مملکت، زوره. دانشگاه دستورالعمل می‌ذاره که تو شخصی‌ترین چیزای آدم سرک بکشه. از بچه‌ها بپرسین، بهتون می‌گن؛ من تا سال اول دانشگاهم چادری بودم، اما از به جایی نگام به چادرم عوض شد. انگار ابزار سرکوبیم بود. به بهانه کنترل نگاه جنسیت زده مردانه. مردی که از هر محدودیتی آزاده» (نورا، دانشجوی سال چهارم).

«من اولویت اولم اینه که لباسم، هم نشون دهنده آزادی برای خودم باشه و هم آزادی رو تو دانشگاه و تو جامعه نمایش بده. یعنی بقیه بفهمن که من شخص آزاداندیش و مدرنی هستم» (نگین، دانشجوی سال دوم).

«راستش من دوست دارم بشناسن منو بچه‌های دانشکده. یعنی لباسام یه طوریه که اگه به یکی بگی اون دختره که اینطوری می‌پوشه، می‌تونه منو بشناسه. بعضیا تو دانشکده، فقط صندلی کناری‌شون اونا رو میشناسه. لباس می‌تونه باعث بشه که دوستای بیشتر و بهتر و شاداب‌تری داشته باشی» (نیوشا، دانشجوی سال سوم).

### مفهوم‌شناسی حجاب و پوشش

نمونه‌ای از پاسخ‌های عمده‌ای که به پرسش «معناشناسی رفتارپوششی و مفهوم‌شناسی حجاب» داده شد و هر پاسخ، موافقانی در گروه کانونی داشت، در ادامه ذکر می‌شود؛ «حجاب، کلاً یه موضوع فرهنگیست. چیزی قطعی به‌عنوان حجاب و پوشش نداریم. یعنی ما یه‌جور حجاب رو تعریف می‌کنیم و آمریکاییه، یه جور و لبنانیه و هندیه هم یه جور دیگه. همه آدم‌ها هم پوشش رو جزو لوازم تمدن انسانی و احترام به خودشون می‌دونن، اما اینکه یه حجاب مشخصی رو بخوان تحمیل کنن، اصلاً برام قابل پذیرش نیست» (محبوبه، دانشجوی سال سوم).

«من البته فکر می‌کنم که پوشش و لباس هم لازمه، هم معقوله و هم اینکه همه‌جای دنیا هم هست. توی همه فرهنگ‌ها هم چه هند و چین و خاور دور تا فرهنگ‌های اروپایی، زن‌ها از مردها پوشیده‌تر بودن، اما مشکل از اینجاست که یه حدود سفت و سختی رو به اسم اسلام می‌خوان وضع کنن. هیچ‌جای قرآن هم این‌جور قاعده‌ای برای حجاب زن‌ها نیست. تازه اونی هم که تو عرب‌های اون موقع بوده الان دیگه معنی خودشو از دست داده. اتفاقاً من در نظر خودم خیلی هم پوشیده هستم، اما نه اون‌طوری که انتظارات و گشت ارشاد می‌خواد. اصلاً این مقنعه‌های ضخیم و پوشوندن موی سر رو می‌گن در پزشکی هم آسیب‌رسون بودنش اثبات شده» (فرزانه، دانشجوی سال چهارم).

«پوشش خوبه، اگه جلوی هیچ آزادی‌تو نگیره. جلو دست پاتو نگیره. پوششی که تو گرمای تابستون خفت کنه و نذاره کوه بری و دوچرخه سوارشی و بدوی، اصلاً معقول نیست. قرار نیست محدودیت‌هایی که برامون می‌دارن رو رعایت کنیم» (شیدا، دانشجوی سال سوم).

«اصلاً لباس و پوشش، در طول تاریخ به اسم اخلاق و تمدن و مذهب، به بشر چپونده شده. یه چیزای واهی هم مثل حیا و پاکدامنی و اینها رو براش درست کردن و کار خودشونو پیش بردن. اصلاً همین که بین اندام جنسی و سایر اندام‌های انسان فرق گذاشتند، نیروی طبیعی

و آروم جنسی که حیوونا هم دارن رو تبدیلیش کردن به یه نیروی سرکش و ویرانگر. این همه تجاوز جنسی و چشم‌چرونی و این همه نگاه اروتیکه که تو ایران هست، محصول همین موهوماته» (فرناز، دانشجوی سال چهارم).

«خود مفهوم پوشش و لباس رو که من باهش مشکلی ندارم، اتفاقاً خیلی هم ارزشمند می‌دونمش. اصلاً مرز مدنیت انسان و حیوانه. همه دنیا هم قبولش دارن، اما اینکه پوشش رو تبدیلیش کنن به اینکه خودتو بیچی تو گونی تا میل جنسی مردا تحریک نشه رو اصلاً تو کتم نمی‌ره. یعنی ما آزادی و راحتی مونو بدیم که یکی دیگه که همه آزادی‌ها رو داره، یه موقع طوریش نشه!» (محدثه، دانشجوی سال چهارم).

«همه چی رو عرف تعیین می‌کنه. عرف رو هم همه پذیرفتن. اگه لباس و پوشش متعارف باشه، روابط هم انسانی‌تره. دیگه قصه صدف و شوکولات و اینا رو کسی نمی‌پذیره. اصلاً بی‌احترامی به شعور خود آدمه که می‌خوان لباسی که عرف می‌پسندنه رو بگن بدحجاب و اینا» (رضوان، دانشجوی سال دوم).

«من که خودم حجاب رو قبول دارم و پوشیده‌تر بودن زن‌ها رو هم از نظر منطقی می‌پذیرم، اما به طوری شده که اگه حجاب داشته باشی، میشی نمونه اینایی که مثل کبک سر زیر برف می‌کنن و زیر بار حرف زور می‌رن و اینا. تو خیابون گشت هست، تو دانشگاه انتظامات و حراست و اینا. همه جا یکی واستاده که این علامت می‌تی کومون رو بگیره جلو چشت و بگه روسری رو بکش جلو! یعنی آن‌قدر زورم میاد که از لج اینا هم شده، میگم بنار یه جوری باشم که چش اینا بترکه» (شبیم، دانشجوی سال اول).

«لباس حتماً خوبه، اما خب باید آدم رو زیباتر هم بکنه. زیبایی برای دیدنه دیگه. البته اصل لباس هم فکر کنم همین بوده، می‌پوشندن خودشون رو که جذابیت‌شون بره بالاتر. کم‌کم توی تاریخ یه جریاناتی سوار قصه‌شدن و کارکرد لباس رو تغییر دادن» (انسیه، دانشجوی سال چهارم).

### شناسایی پیوندهای درونی

پس از انجام مصاحبه‌های کانونی، باتوجه به یادداشت‌برداری‌های مدیر بحث در پرسش نخست برای شناسایی مؤلفه‌های سیستمی پوشش، مؤلفه‌هایی که برآمد هر گروه از نظرات بود بیان

می‌شود و توسط اعضای گروه اسم‌گذاری شده و هریک از اعضا موافقت و مخالفت خود را با اثرگذاری این مؤلفه در سیستم اعلام می‌کند و نیز راجع به چگونگی وابستگی و پیوستگی مؤلفه‌ها بر یکدیگر و نیز تأثیر و تأثرات درون سیستمی نظرش را عنوان می‌کند. در این مرحله، محقق و دستیارش از شرکت‌کنندگان دو گروه خواستند که به‌صورت تجمیعی در یک گروه حاضر شوند و در نسبت بین پیوندهای اعلام نظر کنند. پیوندهای درونی شناسایی شده توسط هر دو گروه کانونی، توسط این گروه تجمیع شده مورد داوری قرار می‌گرفت. بنابراین محقق از این طریق می‌تواند به شناسایی پیوندهای درونی اقدام کند و نیز جدول تأثیرگذاری‌های سیستمی را ترسیم نماید. مرحله کدگذاری و نام‌گذاری مفاهیم پیوندهای درونی نیز در همین مرحله انجام شد. تعاریف پیوندهای درونی عمدتاً مفهومی هستند و برای ارائه نمودارهای روابط پیوندهای درونی، مفاهیم نامگذاری می‌شوند.

نام‌های پیوندهای درونی در سیستم تحت مطالعه و مفاهیم مدّ نظر هر پیوند، با توجه به‌نظر اعضای گروه کانونی به قرار زیر شناسایی شده‌اند و در جدول آمده است؛

نام پیوند درونی	مفهوم پیوند درونی
راحتی	راحت بودن فرد در لباس
نظردیگری	انتخاب نوع پوشش بر اساس نظر مادر، دوست و...
زیبایی	مطابقت با معیارهای زیبایی‌شناختی فرد و تناسب زیبایی با او (در اصطلاح آمدن به فرد)
تمایز	متفاوت بودن از دیگران و تکراری نبودن
اعتماد به نفس	بالا بردن اعتماد به نفس
نشانگر تفکر	نشانگر تفکر و مرام فکری بودن
اعتراض	اعتراض به اجبار و وضع موجود
آزادی	بهره‌مندی از حداکثر اختیار گریز از محدودیت‌های موجود
دیده شدن	در معرض دید و شناسایی دیگران قرار گرفتن
مد	پیروی از الگوهای جدید پوشش تحت عنوان مد

### ترسیم گرافیکی داده‌ها

در ادامه بر مبنای نظرات اعضای گروه کانونی، سه نمودار ART و IRD و SID در سیستم پوششی دانشجویان تحت مطالعه ارائه خواهد شد؛



## الف) جدول روابط پیوندهای درونی (ART)

فرآوانی	رابطه‌ی بین پیوندها	فرآوانی	رابطه‌ی بین پیوندها
۸	تمايز ← تشابه تفکر		راحتی ◇ نظر دیگری
۷	تمايز → اعتراض		راحتی ◇ زیبایی
۵	تمايز → آزادی		راحتی ◇ تمايز
۱۱	تمايز ← دیده شدن	۲	راحتی ← اعتماد به نفس
۶	اعتماد بنفس → تشابه تفکر		راحتی ◇ تشابه تفکر
۴	اعتماد بنفس → اعتراض	۴	راحتی ← اعتراض
	اعتماد بنفس ◇ آزادی	۵	راحتی → آزادی
۵	اعتماد بنفس → دیده شدن		راحتی ◇ دیده شدن
۹	تشابه تفکر → اعتراض	۷	تظر دیگری ← زیبایی
	تشابه تفکر ◇ آزادی		تظر دیگری ◇ تمايز
۷	تشابه تفکر ← دیده شدن	۱۰	تظر دیگری ← اعتماد به نفس
	مد ◇ راحتی		تظر دیگری ◇ تشابه تفکر
۵	مد → نظر دیگری		تظر دیگری ◇ اعتراض
۶	مد ← زیبایی		تظر دیگری ◇ آزادی
	مد ◇ تمايز		تظر دیگری ◇ دیده شدن
۵	مد ← اعتماد بنفس	۸	زیبایی → تمايز
	مد ◇ تشابه تفکر	۹	زیبایی ← اعتماد به نفس
	مد ◇ اعتراض	۴	زیبایی → تشابه تفکر
	مد ◇ آزادی		زیبایی ◇ اعتراض
۴	مد ← دیده شدن	۵	زیبایی → آزادی
	اعتراض ◇ آزادی	۱۱	زیبایی ← دیده شدن
۹	اعتراض ← دیده شدن	۷	تمايز ← اعتماد به نفس
		۴	آزادی → دیده شدن

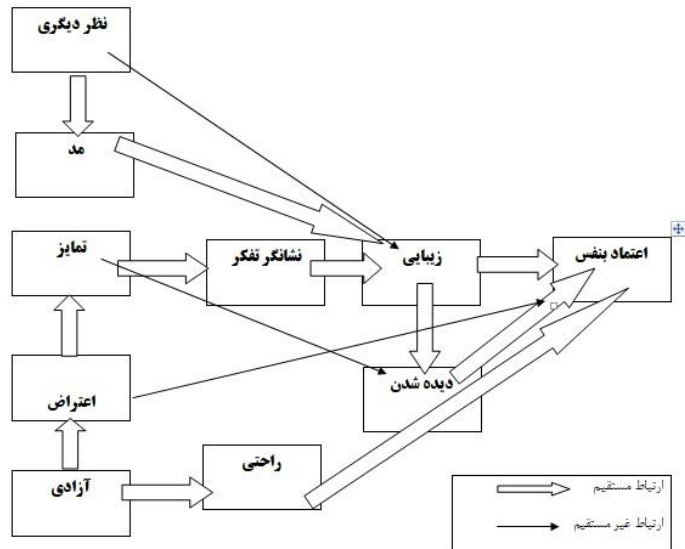
## ب) نمودار روابط درونی سیستم پوشش تحت مطالعه (IRD)

در تحلیل کیفی تعاملی سیستم پوشش تحت مطالعه، پس از شناسایی و ترسیم جدول روابط پیوندهای درونی محققان نمودار IRD سیستمی را برای شناسایی محرک‌ها و پیامدهای سیستمی ترسیم کردند که در ادامه آمده است؛

نشانهگر	دلنا	ورودی	خروجی	مد	دیده شدن	آزادی	اعتراض	نشانهگر تفکر	اعتماد بنس	تمایز	زیبایی	نظر دیگری	راحتی
محرك	۱	۱	۲			→	↑		↑				◇
محرك	۲	۰	۲						↑		↑	◇	
پيامد	-۲	۴	۲	→	↑	→		→	↑	→	◇	→	
محرك	۲	۲	۴		↑	→	→	↑	↑	◇	↑		
پيامد	-۶	۷	۱	→	→		→	→	◇	→	→	→	→
محرك	۱	۲	۳		↑		→	◇	↑	→	↑		
محرك	۲	۱	۳		↑		◇	↑	↑				→
محرك	۲	۱	۳		→	◇				↑	↑		↑
پيامد	-۲	۴	۲		◇	↑	→	→	↑	→	→		
محرك	۲	۱	۳	◇	↑				↑		↑	→	

پ) نمودار تأثیرگذاری‌های سیستمی (SID)

پيامدهای سیستمی ثانویه      پيامدهای سیستمی اولیه      محرك‌های سیستمی ثانویه      محرك‌های سیستمی اولیه



در خوانش نمودار SID سیستم پوشش دانشجویان تحت مطالعه باید در نظر داشت که عوامل محرک اولیه از نقش بالای تعلیلی در سیستم برخوردارند. نظر دیگری، آزادی، اعتراض، تمایز و مد، عوامل آغازگر شکل‌گیری سیستم پوشش دانشجویان تحت مطالعه بوده‌اند و محرک‌های ثانویه راحتی و نشانگر تفکر بودن نیز در کنار محرک‌های اولیه به‌عنوان عوامل درجه دوم قلمداد می‌شوند. در سوی دیگر نمودار اعتمادبه‌نفس قرار دارد که به‌عنوان پیامد ثانویه منتج نهایی سیستم پوششی برای این دانشجویان قلمداد می‌شود و آنها را در ایستارها و رفتارهای پوششی‌شان تثبیت می‌کند. مؤلفه‌های زیبایی و دیده‌شدن نیز به‌عنوان پیامدهای اولیه سیستم، احساس رضایت از انتخاب را برای فرد ایجاد می‌کنند و در کنار اعتمادبه‌نفس موجب تثبیت سیستم تحت مطالعه می‌شوند.

به دیگر سخن، می‌توان گفت که اعتمادبه‌نفس، زیبایی و دیده‌شدن برای دختران دانشجوی شرکت‌کننده در مصاحبه گروه کانونی عواملی هستند که می‌توانند احساس رضایت و یا عدم رضایت از پوشش برگزیده‌شان را در ایشان تولید کنند. از سوی دیگر این عوامل نیستند که مهم‌ترین انگیزه این افراد در انتخاب لباس‌هایشان هستند. عوامل پنج‌گانه‌ای که در نمودار به‌عنوان محرک‌های اولیه آمده است، انگیزه اصلی این دانشجویان دختر در انتخاب نوع پوشش و لباسشان را ساماندهی می‌کنند.

## اجرای مصاحبه‌های عمقی انفرادی

### الف) مصاحبه‌های عمقی با دختران دانشجو

در ابتدا مصاحبه انفرادی با اعضای دو گروه دانشجویان دختر که شامل شانزده دانشجو بود، صورت گرفت. سوالات راجع به معنای مدّ نظر این دانشجویان از ده پیوند درونی یافته در مصاحبه کانونی و اولویت‌گذاری و یا حذف آنان در سیستم پوششی‌شان و به تبع آن در نمودار تأثیرات سیستمی بود.

ده پیوند درونی راحتی، نظر دیگری، زیبایی، تمایز، اعتمادبه‌نفس، نشانگر تفکر، اعتراض، آزادی، دیده‌شدن و مدّ مواردی بودند که نظر هریک از شرکت‌کنندگان راجع به آنها پرسیده شد و معنای ذهنی آنها پیرامون این مفهوم مورد واکاوی قرار گرفت. هریک از شرکت‌کنندگان از مجموع ده پیوند درونی شناسایی‌شدن در مصاحبه گروه کانونی، مؤلفه‌های دخیل پیوند

درونی در سیستم پوششی‌شان را به ترتیب اولویت‌گذاری می‌کردند و متغیرهای غیر دخیل را حذف می‌کردند. بنابراین ما در مصاحبه‌های عمقی انفرادی از دانشجویان دختر، با تعداد شانزده دسته معنایی از پیوندهای درونی و شانزده اولویت‌گذاری مواجهیم که می‌توانیم برای هریک از شرکت‌کنندگان، معناهای یافته را جایگزین پیوندهای درونی یافته در مصاحبه گروه کانونی کرده و بر مبنای اولویت‌گذاری‌ها در متن مصاحبه، به ترسیم گرافیکی داده‌ها بر مبنای تحلیل کیفی تعاملی پردازیم، اما با توجه به نزدیکی معنایی برخی مصاحبه‌ها با یکدیگر، و نیز با توجه به حوزه اختیاری که واضعان تحلیل کیفی تعاملی مشخص کرده‌اند، تصمیم محققان بر آن شد که به جای ارائه انفرادی هریک از داده‌ها و ترسیمات گرافیکی داده‌ها، ارائه این معانی در گونه‌های سه‌گانه یافته شده در مصاحبه‌های انفرادی دانشجویان دختر صورت پذیرد. در مصاحبه‌های انفرادی با شانزده نفر دانشجویان دختر نمونه، سه گونه‌بندی معنایی از پیوندهای درونی و اولویت‌های آنان شناسایی شد که در ادامه به تفکیک خواهد آمد؛

### گونه اول؛ دانشجویان دختر معترض

در این گونه شناسایی شده که هفت نفر از اعضای نمونه شانزده نفره دانشجویان دختر را شامل می‌شد، بر مبنای مصاحبه‌های فردی عمقی با اعضای دسته‌بندی شده در این گونه رفتاری؛ سه مؤلفه «نظر دیگری، مد و اعتمادبه‌نفس»، به دلیل دخیل نبودن در سیستم پوشش اعضای این گونه، از پیوندهای درونی حذف شدند. بنابراین پیوندهای درونی سیستمی در نگاه دانشجویان دختر معترض، از شش مؤلفه تشکیل شده است که عبارتند از؛ زیبایی، تمایز، نشانگر تفکر، اعتراض، آزادی، دیده‌شدن و راحتی.

جداول و نمودارهای برآمده از داده‌های مصاحبه‌های انفرادی با دانشجویان دختر معترض در ادامه خواهد آمد.

### الف) جدول روابط پیوندهای درونی (ART) دانشجویان دختر معترض

در این جدول و نمودار IRD که پس از آن خواهد آمد، محقق نظرات به تفکیک ارائه شده در مصاحبه‌های انفرادی در شناسایی پیوندهای درونی، مفاهیم ذهنی مد نظر دانشجو و روابط بین پیوندها را در هر مورد یادداشت کرده و در نهایت با در کنار هم قراردادن نظرات یکسان به فراوانی‌های ذکر شده در جدول زیر در میان تعداد هفت نفر دانشجوی دختر معترض شناسایی شده، رسیده است.

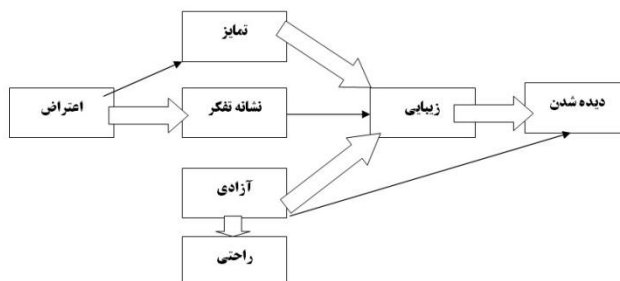
فرآوانی	رابطه‌ی بین پیوندها	فرآوانی	رابطه‌ی بین پیوندها
۷	تمايز ← دیده شدن	۶	زیبایی → تمايز
۷	نشانه‌گر تفکر → اعتراض	۷	زیبایی → نشانه‌گر تفکر
	نشانه‌گر تفکر ◇ آزادی		زیبایی ◇ اعتراض
۵	نشانه‌گر تفکر ← دیده شدن	۴	زیبایی → آزادی
۴	اعتراض ← آزادی	۶	زیبایی ← دیده شدن
۵	اعتراض ← دیده شدن	۷	تمايز → نشانه‌گر تفکر
	آزادی ◇ دیده شدن	۷	تمايز → اعتراض
	راحتی ◇ زیبایی		تمايز ◇ آزادی
	راحتی ◇ نشانه‌گر تفکر		راحتی ◇ تمايز
۳	راحتی → آزادی	۴	راحتی ← اعتراض
			راحتی ◇ دیده شدن

ب) نمودار روابط درونی سیستم پوشش دانشجویان دختر معترض (IRD)

نشانه‌گر	دلتا	ورودی	خروجی	راحتی	دیده شدن	آزادی	اعتراض	نشانه‌گر تفکر	تمايز	زیبایی	
پیامد	-۲	۳	۱		↑	→		→	→	◇	زیبایی
محرک	۰	۲	۲		↑		→	→	◇	↑	تمايز
محرک	۰	۲	۲		↑		→	◇	→	↑	نشانه‌گر تفکر
محرک	۴	۱	۵	→	↑	↑	◇	↑	↑	↑	اعتراض
محرک	۱	۱	۲	↑		◇	→			↑	آزادی
پیامد	-۴	۴	۰		◇		→	→	→	→	دیده شدن
محرک	۰	۱	۱			→	↑				راحتی

پ) نمودار تأثیرگذاری‌های سیستمی (SID) دانشجویان دختر معترض

پیامدهای سیستمی ثانویه      پیامدهای سیستمی اولیه      محرک‌های سیستمی ثانویه      محرک‌های سیستمی اولیه



با توجه به ترسیمات دیداری، به‌ویژه نمودار SID، می‌توان گفت که عنصر اصلی در انتخاب و گزینش نوع پوشش و لباس در این گروه از دانشجویان اعتراض است. اعتراض به محدودیت‌ها و قیود فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در این دسته از دانشجویان به‌مراتب پررنگ‌تر از سایر مؤلفه‌های دخیل در سیستم پوشش است و مؤلفه‌های دیگری نظیر آزادی، تمایز، نشانه‌تفکر بودن و راحتی مؤلفه‌های هستند که محرک اعتراض را قوام و قوت می‌بخشند. از سوی دیگر خوانش میزان دستیابی به این پیوندهای درونی با توجه به دریافت مؤلفه‌های زیبایی شناختی از خود و نیز دیده‌شدن خواهد بود و بر این مبنای دانشجویان به سیستم‌پوششی خود تداوم می‌بخشند و یا پوشش بدیلی را جایگزین آن می‌کنند.

### گونه دوم؛ دانشجویان دختر همگرای فعال

در مصاحبه‌های عمقی انفرادی با دختران دانشجو، گونه نگرشی و رفتاری دیگری از دانشجویان مشاهده شد، که این دانشجویان را دانشجویان دختر همگرای فعال نام نهادیم. این گونه از دانشجویان تمایلات ایجاد جاذبه در خود برای برانگیختن احساسات گراینده در جنس مخالف را به صراحت ابراز می‌کردند. در این گونه از دانشجویان پیوندهای «درونی راحتی، نظر دیگری، اعتمادبه‌نفس، نشانگر تفکر و اعتراض» حذف شد و هنگامی که محققان در جستجوی معنای ذهنی این دانشجویان از پیوندهای درونی دیگر بودند، دریافتند که این دانشجویان برگردان ساده «دیده‌شدن» از سوی این دانشجویان، مورد خواستن واقع‌شدن از سوی جنس مخالف و جذب و برانگیختن مردان تعریف می‌شود. بنابراین به‌دلیل اینکه این دسته از دانشجویان در مصاحبه‌های انفرادی ضمن تأیید مفهومی دیده‌شدن در پیوندهای درونی سیستم پوششان، خواسته‌شدن را به عنوانی پیوندی مهم‌تر عنوان می‌کردند، این مفهوم به عناوین پیوندهای درونی این دسته از دانشجویان با توجه به مصاحبه‌های عمقی انفرادی افزوده شد و ترسیمات تحلیل کیفی تعاملی بر مبنای پیوندهای درونی شناخته شده ترسیم می‌شود. این پیوندهای درونی شناخته‌شده در این گروه از دانشجویان دختر عبارت بودند از: زیبایی، تمایز، آزادی، دیده‌شدن، مد و خواسته‌شدن. تعداد این گروه از دانشجویان که بر مبنای داده‌های یکسان و مشابه مصاحبه‌های انفرادی در یک گروه طبقه‌بندی شدند، شش نفر بود که بر مبنای داده‌های به‌دست‌آمده از این افراد، نمودارهای دیداری سه‌گانه تحلیل کیفی تعاملی ترسیم می‌شود.

**الف) جدول روابط پیوندهای درونی (ART)**

روابط پیوندهای درونی بر مبنای نظرخواهی از شش نفر دانشجوی همگرای فعال طبقه‌بندی شده در مصاحبه‌های انفرادی به‌دست‌آمده است که فراونی نظر اعضا به رابطه پیوندهای درونی، وزن رابطه را در نظر این گروه از دانشجویان نمایش می‌دهد. در ادامه و با استفاده از نظر دانشجویان در روابط پیوندی نمودار IRD نیز ترسیم خواهد شد؛

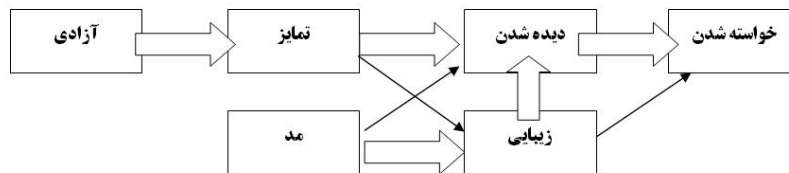
فراوانی	رابطه‌ی بین پیوندها	فراوانی	رابطه‌ی بین پیوندها
۶	نمایز ← خواسته شدن	۴	زیبایی → آزادی
۵	آزادی ← دیده شدن	۵	زیبایی → نمایز
	آزادی ◇ مد	۶	زیبایی ← دیده شدن
۵	آزادی ← خواسته شدن	۵	زیبایی → مد
۵	مد → دیده شدن	۶	زیبایی ← خواسته شدن
۶	دیده شدن ← خواسته شدن	۵	نمایز → آزادی
۵	مد ← خواسته شدن	۶	نمایز ← دیده شدن
			نمایز ◇ مد

**ب) نمودار روابط درونی سیستمی (IRD)**

فراوانی	رابطه‌ی بین پیوندها	فراوانی	رابطه‌ی بین پیوندها
۶	نمایز ← خواسته شدن	۴	زیبایی → آزادی
۵	آزادی ← دیده شدن	۵	زیبایی → نمایز
	آزادی ◇ مد	۶	زیبایی ← دیده شدن
۵	آزادی ← خواسته شدن	۵	زیبایی → مد
۵	مد → دیده شدن	۶	زیبایی ← خواسته شدن
۶	دیده شدن ← خواسته شدن	۵	نمایز → آزادی
۵	مد ← خواسته شدن	۶	نمایز ← دیده شدن
			نمایز ◇ مد

**پ) نمودار تأثیرگذاری‌های سیستمی (SID)**

پیامدهای سیستمی ثانویه      پیامدهای سیستمی اولیه      محرک‌های سیستمی ثانویه      محرک‌های سیستمی اولیه



چنان‌که داده‌های ارائه شده در تکنیک‌های دیداری تحلیل کیفی تعاملی نشان می‌دهد، محرک اصلی این گروه از دانشجویان دختر بهره‌مندی از گریز حداکثری از محدودیت‌های موجود است که در نام‌گذاری مفاهیم در مرحله مصاحبه کانونی، آزادی نام‌گرفت. مؤلفه‌های تمایز و مد نیز به‌عنوان عناصر دخیل در انتخابگری دانشجویان در سیستم پوششان مؤثر بوده و مطلوبیت دانشجویان در پیامدهای سیستمی زیبایی، دیده‌شدن و به‌ویژه خواسته‌شدن توسط جنس مخالف نشان داده شده است.

**گونه سوم؛ دانشجویان دختر همگرای منفعل**

این گروه از دانشجویان دختر، همانند دانشجویای همگرای فعال، در سیستم پوششی‌شان به میزان قابل توجهی متأثر از برانگیختن خواست دیگری جنس مخالف نسبت به خویشتن هستند، اما به‌گفته خودشان، در بسیاری مواقع از اعتمادبه‌نفس لازم برخوردار نیستند و معمولاً آغازگر ارتباط نبوده‌اند. به‌عبارت‌دیگر، وجود پیوندهای درونی «اعتماد به نفس» و «نظر دیگری» و حذف مؤلفه «آزادی» - که به‌معنای بهره‌مندی از بیشینه گریز از محدودیت‌هاست - در سیستم پوششی این دانشجویان، آنها را از دانشجویان دختر همگرای فعال متمایز می‌کند. این گروه از دختران دانشجو هم‌چنین به صراحت پیوند درونی «خواسته شدن» را عنوان نمی‌کردند و محققان از دریافت معنای ضمنی و تلویحی گفتار در مصاحبه عمقی با این افراد، این مفهوم را به‌عنوان یک پیوند درونی سیستمی از آنان مورد پرسش قرار می‌دادند و با تأیید و تصدیق این دانشجویان مواجه می‌شدند. در میان شانزده دانشجوی دختر مورد مصاحبه، تنها سه نفر از ایشان را می‌توانستیم از منظر سیستم پوششی به‌عنوان دانشجویان دختر همگرای منفعل



شناسایی کنیم. با حذف مؤلفه‌های راحتی، اعتراض، آزادی، نشانگر تفکر در مصاحبه‌های عمقی توسط این افراد پیوندهای درونی شناسایی شده توسط این گروه از دانشجویان، عبارت بودند از: نظر دیگری، زیبایی، تمایز، اعتماد به نفس، دیده شدن، مد و خواسته شدن.

#### الف) جدول روابط پیوندهای درونی (ART)

فرآوانی	رابطه‌ی بین پیوندها	فرآوانی	رابطه‌ی بین پیوندها
۳	اعتماد به نفس ← تمایز	۲	زیبایی ← نظر دیگری
۳	دیده شدن ← تمایز		نمایز ◇ نظر دیگری
	مد ◇ تمایز	۳	اعتماد به نفس ← نظر دیگری
۲	خواسته شدن ← تمایز		دیده شدن ◇ نظر دیگری
۳	دیده شدن → اعتماد به نفس		مد ◇ نظر دیگری
۳	مد → اعتماد به نفس		خواسته شدن ◇ نظر دیگری
۳	خواسته شدن → اعتماد به نفس	۳	نمایز → زیبایی
۲	مد → دیده شدن	۳	اعتماد به نفس ← زیبایی
۳	دیده شدن ← خواسته شدن	۳	دیده شدن ← زیبایی
۲	خواسته شدن → مد	۳	مد → زیبایی
		۳	خواسته شدن ← زیبایی

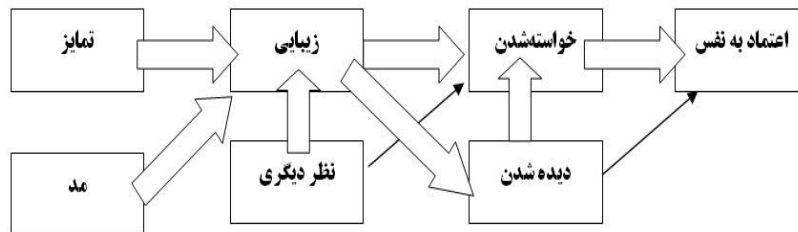
چنان که در جدول روابط پیوندهای درونی فوق، قابل مشاهده است قریب به اتفاق آراء سه نفری که در مصاحبه‌های گروه کانونی به‌عنوان دختران دانشجوی همگرای منفعل شناسایی شدند، یکسان و واجد یک معنی بود. این امر نشان‌گر آن است که عناصر سیستمی که در نمودار تأثیرگذاری‌های سیستمی ترسیم خواهد شد، واجد نظر سه عضو شناسایی شده در این گروه بوده است. اگر چه این امر در گروه‌های دیگری که توسط داده‌های مصاحبه‌ای انفرادی شناسایی شدند، نیز وجود داشت، اما قلت اعضا در این گروه مفهوم ترسیم شده را با مصداق به‌شکل عینی تری برابر می‌کند.

ب) نمودار روابط درونی سیستمی (IRD)

نشانگر	دلتا	ورودی	خروجی	خواسته شدن	مد	دیده شدن	اعتماد بنس	تمایز	زیبایی	نظر دیگری	
محرك	۲	۰	۲				↑		↑	◇	نظر دیگری
محرك	۰	۳	۳	↑	→	↑	↑	→	◇	→	زیبایی
محرك	۴	۰	۴	↑		↑	↑	◇	↑		تمایز
پیامد	-۶	۶	۰	→	→	→	◇	→	→	→	اعتماد بنس
پیامد	-۱	۳	۲	↑	→	◇	↑	→	→		دیده شدن
محرك	۳	۰	۳	↑	◇		↑		↑		مد
پیامد	-۳	۴	۱	◇	→	→	↑	→	→		خواسته شدن

پ) نمودار تأثیرگذاری‌های سیستمی (SID)

پیامدهای سیستمی ثانویه      پیامدهای سیستمی اولیه      محرک‌های سیستمی ثانویه      محرک‌های سیستمی اولیه



عناصر محرک اصلی انتخاب‌گر دانشجوی در پوشش و لباسش در این گروه از دانشجویان که دختران همگرای منفعل نام‌گذاری شدند، پیوندهای درونی تمایز و مد بود که در نظر این دانشجویان واجد مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی بوده و نظر دیگران نیز این امر را تأیید می‌کرده است. از سوی دیگر مطلوبیت اصلی این دانشجویان دیده شدن و خواسته شدن توسط جنس مخالف بوده است که آنها را به هدف غایی دستیابی به اعتماد به نفس بیشتر است می‌رساند. بنابراین این دانشجویان با انتخاب پوشش فعلی‌شان به اعتماد به نفس مطلوبشان دست می‌یابند و از این امر احساس رضایت می‌کنند.

## جمع‌بندی

مطالعه بر روی نمونه‌های مورد مطالعه که در تحقیق حاضر شرکت‌داشتند، نشان داد که این دانشجویان در سه مؤلفه زیبایی، تمایز و دیده‌شدن به‌عنوان پیوندهای درونی سیستم پوشش‌شان مشترک بودند و این مؤلفه‌ها، در انگیزه همه این دانشجویان با اندکی تفاوت جایگاهی، دخیل بودند. این دانشجویان به دو گروه دانشجویان معترض و دانشجویانی هم‌گرا هستند - فعال و منفعل - تقسیم می‌شوند. عنصر اصلی مؤثر در انتخاب پوشش دانشجویان معترض، اعتراض به وضع موجود و قیود و محدودیت‌هاست. این دانشجویان به «مُد» چندان اعتنایی ندارند، درحالی‌که در میان دانشجویان دختر همگرا، مد جایگاه تثبیت‌شده‌ای دارد. تفاوت دیگر این دانشجویان در پیامد نهایی سیستمی‌شان بود که در دانشجویان معترض، «دیده‌شدن» پیامد اصلی بود و در دانشجویان همگرا، خواسته شدن. علاوه بر این موارد تفاوتی که در مصاحبه‌های گروه کانونی و مصاحبه‌های عمقی انفرادی بود، تفکیک ساختار ذهنی دانشجویان معترض و همگرا از یکدیگر بود که این امکان در تحلیل مصاحبه گروه کانونی وجود نداشت. دختران دانشجو بخشی از معانی ذهنی و نگرش‌شان نسبت به رفتارشان را در مصاحبه گروه کانونی ابراز نمی‌کردند، ولی در مصاحبه‌های انفرادی، آنها را بروز دادند. به‌عنوان نمونه مفهوم پیوند درونی «دیده‌شدن» که در مصاحبه گروه کانونی نام‌گذاری شده بود، در مصاحبه‌های عمقی به «خواسته‌شدن» رمزگشایی شد.

یافته‌های تحقیق در کاربست روش نشان داد که ارزش‌ها و نگرش‌های متفاوت و گاه متضادی در پس یک رفتار پوششی ظاهری واحد در میان دانشجویان مورد مطالعه، نهفته است. مطالعه نمونه‌های محدود پژوهش حاضر، چندین گونه فرهنگ ارزشی را در میان این دانشجویان شناسایی نمود و این نشان از این امر دارد که نمی‌توان الگوی جامعی را برای کلیت دانشجویانی که پوششی مشابه دارند ترسیم نمود، اما مشابهت‌هایی مانند برجستگی مؤلفه «اعتمادبه‌نفس» به‌عنوان پیامد سیستم پوششی دانشجویان، می‌تواند مورد تأمل و درنگ‌های پژوهشی دیگر قرار گیرد.

همچنین یافته‌های پژوهش حاضر، نشان می‌دهد که این دانشجویان عمدتاً عملکرد رفتاری همسان و همخوان با نگرش‌ها و معانی ذهنی‌شان از پوشش داشته‌اند. البته در مواردی بوده است که علی‌رغم اعتبار ارزشی که برای مفهوم پوشش - با توجه به بازتعریف از منظر خود -

قائل بودند، نقض ارزش کرده‌اند. چرایی این موارد را چنان‌که این دانشجویان در مصاحبه‌هایشان عنوان می‌کردند، می‌بایست در نگاه کنترلی و انضباطی محیط دانشگاهی دانست که این دانشجویان را به بیان خودشان به عصیان علیه این جریان هدایت می‌کرد که حتی ارزش‌های فردی‌شان را قربانی مقاومت در برابر کنترل فرهنگی می‌کردند. به دیگر سخن، می‌توان گفت که این دانشجویان از هنجارگریزی که با توجه به بازتعریف خود از پوشش داشتند، به‌نوعی هنجارستیزی رسیده‌اند و ناهمخوانی عملکرد پوششی‌شان با نگرش‌ها و ارزش‌های فردی‌شان، تا حدودی منبعث از این هنجارستیزی آگاهانه است. البته تعدادی از دانشجویان تحت مطالعه نیز بودند که ناهمخوانی نگرش و رفتارشان ناشی از عدم امکان عملی پوشش مطابق معانی ذهنی‌شان بود. این دانشجویان مفهوم ذاتی حجاب و پوشش را مفهومی غیر قابل پذیرش می‌دانستند و قوانین و کنترل‌های محیطی مانع از انتخاب لباس‌های مورد نظرشان می‌شده است.

از دیگر سو، با توجه به یافته‌های مصاحبه‌های گروه کانونی و انفرادی می‌توان گفت که عموم این دانشجویان به حد‌قلبی از حجاب باور دارند و به آن به عنوانی مفهومی فرهنگی احترام می‌گذارند، اما هریک از این دانشجویان بازتعریفی مفهومی از مقوله حجاب برای خود کرده است و بر مبنای نگرش‌های منتج آن عملکرد خود را تنظیم می‌کند. مصادیق و معیارهای حجاب و پوشش در نظر عمده دانشجویان مورد مطالعه پوششی غیرمحدودکننده است. همچنین عمده این دانشجویان تفکیکی را بین محیط‌های عمومی و جمع‌های خصوصی قائل بودند. بدین معنا که در جمع‌ها و مهمانی‌های فامیل، دوستان و آشنایان معتقد بودند که نیازی به پوشاندن همه بدن «از کسی که می‌شناسی و به او اطمینان داری»، نیست، اما در محیط‌های عمومی، حد و معیار حجاب از نظر این دانشجویان رعایت حریم‌ها برای محافظت از خود بوده است.

به‌طور کلی می‌توان گفت با توجه به نگاه نسبی عمده این دانشجویان می‌توان گفت که در باور غالب دانشجویان مورد مطالعه مصادیق پوشش با توجه به محیط‌های گوناگون متفاوت است، اما معیار حفظ حریم روابط انسانی برای پوشش دارای ثبات مشترکی در دیدگاه‌های مورد مطالعه بود.

## بحث

مطالعه حاضر، تحقیقی عمدتاً توصیفی و تفسیری بود که سعی کرد به گنه رفتارهای پوششی مواردی از دانشجویانی که از نظر مسئولان دانشگاهی کشور «بدپوشش» و «بدحجاب» نام‌گذاری می‌شوند، نزدیک شود. با توجه به ماهیت کیفی این مطالعه، این پژوهش تنها می‌تواند نمایای برخی از وجوه کنش‌گری پوششی دانشجویان دختر باشد که از منظر سیاست‌گذاران فرهنگی دانشگاه‌ها مغفول مانده است و یا توجه چندانی به آنها نمی‌شود.

نتایج این مطالعه نشان داد که عنصر اعتراض و مقاومت فرهنگی از طریق انتخاب عملکرد پوششی، در میان دانشجویان دختر تحت مطالعه پررنگ است. برقراری رابطه با جنس مخالف یکی دیگر از عناصر برگزیدن نوع پوشش در میان این دانشجویان بوده است. موارد دیگری نظیر مد، آزادی، راحتی، زیبایی، نشانگر تفکر بودن، نظر دیگری، اعتمادبه‌نفس، دیده‌شدن، تمایز، خواسته‌شدن و اسپرت بودن نیز در این میان به‌عنوان محرک سیستمی پوشش و یا پیامد این سیستم دخیل بوده‌اند، اما آنچه از این توصیف عملکرد سیستم پوششی این دانشجویان شایان توجه است، این نکته است که آنان اذعان می‌کردند که مقاومت در احساس کنترل و رویکرد انضباطی محیط دانشگاه افزایش می‌یابد.

البته با توجه به اینکه در این پژوهش، نمونه‌های مورد مطالعه، تنها نمونه‌های کرانه‌ای بودند که به‌نوعی به حجاب مرسوم در محیط دانشگاه تن نمی‌دادند، طبعاً برای شناخت عمیق‌تر مسئله، انجام مطالعات تکمیلی برای بسط موضوع، پیشنهاد می‌شود.

## منابع

- آرون، ریمون (۱۳۷۷)، مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم.
- پارکین، فرانک (۱۳۸۴)، ماکس وبر، ترجمه شهناز مسمی پرست، تهران: نشر ققنوس.
- حسینی دوست، مرتضی (۱۳۸۰)، بررسی نگرش دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی نسبت به پوشش زنان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- حمیدی، نفیسه و فرجی، مهدی (۱۳۸۷)، «سبک زندگی و پوشش زنان در تهران»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۱.
- رضایی، محمدحسین (۱۳۸۴)، «تحلیل جامعه‌شناختی پوشش اسلامی»، فصلنامه مصباح، سال دوازدهم، شماره ۴۶.
- رونژر، پیرت (۱۳۶۴)، مبانی پژوهش در علوم اجتماعی، ترجمه محمد دادگران، تهران: نوآور.
- زاهد زاهدانی، سعید و دشتی، علی (۱۳۸۵)، «گرایش دانشجویان به انواع حجاب»، فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران، سال اول، شماره ۱.
- سیلورمن، دیوید (۱۳۸۱)، روش تحقیق کیفی در جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات تبیان.
- شفهرز، برنهارد (۱۳۸۳)، مبانی جامعه‌شناسی جوانان، ترجمه کرامت الله راسخ، تهران: نی.
- علی‌محمدزاده، خلیل و زهرا سلیمانی (۱۳۸۴)، زن، حجاب و حقوق از نگاهی دیگر، تهران: انتشارات فردوس.
- غلامرضا کاشی، جواد (۱۳۸۹)، «روش‌شناسی مطالعات فرهنگی؛ تحلیل فضا»، خبرنامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، فروردین ۱۳۸۹، شماره ۴۳.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲)، مصرف و سبک زندگی، تهران: نشر صبح صادق، چاپ اول.
- فرجی، مهدی و حمیدی، نفیسه (۱۳۸۴)، نگرش زنان به انواع پوشش‌های رایج، تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
- فروند، ژولین (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی ماکس وبر، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نشر توتیا.
- فلیک، اوه (۱۳۸۸)، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.
- قلی‌پور، آرین (۱۳۸۶)، «نقش دولت در نهاده‌سازی حجاب»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۳۸، زمستان ۱۳۸۶.

- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲)، تجدد و تشخص؛ جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه‌ی ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- لیندلف، توماس (۱۳۸۸)، روش‌های تحقیق کیفی در علوم ارتباطات، تهران، همشهری.
- یحیائی، سبحان (۱۳۹۴)، «تحلیل کیفی تعاملی؛ روش‌شناسی نوینی در مطالعات فرهنگی»، فصلنامه جامعه، فرهنگ و رسانه، سال چهارم، شماره ۱۴، بهار ۱۳۹۴، صص ۳۱ - ۵۱.
- Bourdieu, P. (1984), *Distinction: A Social Critique of the Judgement of taste*, Routledge.
- Kitzinger J. (1994), 'The methodology of focus groups: the importance of interaction between research participants', *Sociology of Health* 16 (1): 103 - 21.
- Northcutt, N. , McCoy, D. (2004). *Interactive Qualitative Analysis: a Systems Methods for Qualitative Research*. US: Sage.
- Weber, M (1946), *Essay in Sociology*, Ed H. H Greth and C. V. Mills, London: Rotledge and kegan Paul.